

## علی جان سلام!

وقتی می گویم (علی جان)، چندین شخصیت عزیز به ذهنم می آید، گذشته از مولایمان علی که مراد همه ماست، در عصر حاضر هم چند همنام آن عزیز در بین برخی از مسوولین و افراد شناخته شده، به ذهن می آیند. مثل آقای دکتر علی لاریجانی که به هنگام کودکی و حتی در بزرگسالی، او را علی جان صدا می کردم، از خاصیت های سن بالا یکی طرز صدا کردن دوستان است، اما این بار، (علی جان منظور نظر من)، در ضمن خاطر های روشن می شود:

۱) از سنه ۳۶ تا ۴۳ (پایان دوره دکتری معقول) افتخار شاگردی مرحوم استاد شهیدم حضرت مطهری (قدس سره) را داشتم و چون مولایم در سنه ۱۳۳۵ در کنار حوض مدرسه مروی بنده را به حضرت ایشان چنین معرفی کردند: «اخوی آقا اسماعیل»، لذا حضرت استاد همیشه بنده را با همان عنوان آقا اسماعیل خطاب می فرمودند، در حدود سنه ۱۳۳۷ در پشت کوچه ذغالی ها واقع در سرچشمه که دانشکده الهیات آنجا بود یک روز که وارد دانشکده شدم، حضرت استاد را نازا راحت دیدم، پس از عرض سلام علت را پرسیدم، فرمودند: «آقا اسماعیل، من مطهری ذوب شده در ولایت رابه و هابیبگری متهم کردند» چون عده ای، تدریس یک روحانی در دانشگاه را کفر و الحاد می دانستند. سالها گذشت تا پس از انقلاب یک روزی یکی از آن افراد بر چسب زن را دیدم که دارد سوار بنز شخصی با محافظ می شود! جلور فتم و پس از سلام و احوال پرسی، یک سوال کردم:

آیا مرحوم مطهری واقعا وهابی بود؟ آن آدم ناحبسی سرش را به زیر انداخت و رفت.

۲) از میان آثار مرحوم استاد کتاب (التحصیل) تألیف بهمنیار بن المرزبان شاگرد ابن سینا را باید بسیار ممتاز دانست که تصحیح آن کار هر کسی نبود مگر پهلوان حکمت اسلامی یعنی حضرت استاد مطهری و بنده نسخه های عکسی آن کتاب را از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به امانت برای ایشان می بردم که در حیاط خانه کوچک استاد، کودکی نورانی دیدم و مرحوم استاد ایشان را به بنده معرفی فرمودند، فرزندم علی آقا... و بنده خم شدم و با او دست دادم و گفتم: «علی جان سلام» و حالا پس از سالهایی خبری می گویم: علی جان از اینکه تا الان زنده ماندی و با وجود این همه موتور سواران دست آموز صهیونیست آمریکایی بمب گذار، جان سالم به در بردی خدارا شکر کن که فقط تأییدات الهی مهم است و گرنه پس از شهادت مولای علی در محراب، مردم شام تعجب کردند که آیا علی نماز هم می خواند؟

واعظ جوادی - آمل

## خسته از روزگار

اینجانب فاطمه... ۵ سال است که از دواج کرده ام. ثمره این از دواج یک دختر است. در این سالها به هر سختی که بود به خاطر عشقی که به همسر و زندگی ام داشتم روزگار را گذراندم. تا اینکه همسرم دچار بیماری هیپاتیت B شد. برای هزینه در مانش مجبور

شدیم پول پیش خانه را خرج کنیم کار به جایی رسید که حالا هیچ آهی در بساط نداریم گاهی آنقدر زندگی و مخارج آن به من فشار می آورد که آرزوی مرگ می کنم حتی حوصله دخترک معصومم را ندارم. وقتی چیزی می خواهد کنکش می زوم طوری که به سگسکه می افتد و بعد خودم هم می نشینم پایه پای او گریه می کنم. برای سرایداری در روزنامه آگهی دادم. اما وقتی تماس گرفتند پیشنهادهایی دادند که از زندگی سیر شدم. درست است که فقیریم اما وفا، ایمان و غیرت مان را که نباید خرج زندگی مان بکنیم. شوهرم بیمار است اما غیرتش که بیمار نیست. در حال حاضر به خاطر نداشتن پول پیش خانه در یک اتاق ۱۵ متری زندگی می کنیم. همسرم با وجود بیماری و درد برای دست فروشی به بیرون می رود و تا وقتی که بیاید من از ترس نوه جوان پیرزن صاحبخانه که تازه از زندان آزاد شده و معتاد هم هست، بر خودم می لرزم تا از سر کار بر گردد. اگر خبری پیدا شود و پول پیش خانه ای رابه ما کمک بکند عمری ما را دعاگوی خود خواهد کرد.

فاطمه... شهری

## حیف آن خانه های پر درخت

پدیده آپارتمان سازی گر چه اقتضای زندگی امروز شده است اما متأسفانه حتی در مناطقی که نیازی به این کار نیست به صورت یک فرهنگ در آمده و صفای لذت بردن از زندگی را از همه گرفته است و از همه عجیب تر این که آپارتمان سازی دیگر منحصر به شهرها نیست و به بعضی از روستاها نیز سرایت کرده است. از این بدتر آن است که با تخریب خانه های قدیمی بخشی از هویت تاریخی ما نیز رفته رفته از بین می رود. مردم برای نوسازی یا برای رسیدن به منفعت بیشتر خانه هایی را که بعضاً بیش از یک قرن قدمت دارند و در ساختمان و در ب و پنجره آنها هنرهای ماندگاری به کار رفته تخریب می کنند. برخی از آنها به راحتی می توانند یک اثر تاریخی و باستانی به حساب آید. به جای همه این یادگارهای ماندگار آپارتمان هایی ساخته می شوند، شکل همدیگر، آشپزخانه این، هال، و پذیرایی لامپ هالوژن و... هیچ ظرفیت و هنری در این معماری جدید دیده نمی شود. خانه ها هم شکل هم بدون تنوع و زیبایی خاصی... تجدد باعث شده تا حتی حاضر نباشیم چند قدم پیاده برویم و یا چند پله را بالا و پایین کنیم. تجدد، نوگرایی و تمدن خوب است به شرط آنکه تعریف درستی هم از معماری و فرهنگ بومی داشته باشیم. بیاییم هنر و معماری گذشتگان را حفظ کنیم که در حقیقت تاریخ و تمدن گذشته خود را حفظ کرده ایم. بیاییم دوباره خانه هایی داشته باشیم که دور تادور حیاط ادامه داشت با اتاق های تودر تو، در بهای چوبی کنده کاری شده، درخت های میوه و انواع گل و گیاه که چشمان هر روز صبح با دیدن آنها غرق زیبایی می شد و روحمان نفس تازه می کرد و ما با هر س کردن شاخه های درختان و وجین علف های هرز و کندن سبزی از شاخه درخت، بازندگی آشتی می کردیم و با یکدیگر مهر بانتر بودیم.

فاطمه سادات حسینی - گرگان

## نامه به سردبیر

باسلامی گرم و صمیمی خدمت همه شما خوانندگان خوب و ارجمند مجله اطلاعات هفتگی و با عرض پوزش همیشگی به خاطر تأخیر احتمالی در پاسخ به موقع به نامه های شما گرامیان.

\*\*\*

### \* شهریار نظری - تهران \*

از لطف فراوان شما نسبت به مجله خودتان سپاسگزارم. اگر به روشنی مطالبی را که به نظر شما دارای کیفیت مطلوبی نیستند مشخص می کردید و با ذکر مصداق به آن می پرداختید بیشتر به ما کمک می شد. انتقادهایی را هم که مطرح کرده اید مورد بررسی قرار خواهیم داد. اما همانطور که خودتان هم اشاره کرده اید سلیق خوانندگان مختلف است و ما معمولاً در نظر سنجی ها به آن توجه می کنیم. در آینده نزدیک نیز یک فرم نظر سنجی دیگر نیز در مجله چاپ می کنیم تا از آخرین نقطه نظر های خوانندگان مطلع شویم. سرفراز باشید

### \* رامین کریمی - زنجان \*

به دوستان سپرده ام که کتاب شعر شمارا در بخش معرفی کتاب معرفی کنند. از لطف شما نسبت به مجله متشکرم.

### \* مسعود ذوالفقاری - قائم شهر \*

نامه اخیر شما به همراه کارت پستال ارسالی به دستم رسید از لطف شما متشکرم. همین طور مقالات ارسالی نیز ملاحظه شد. یکی از آنها را در همین شماره چاپ کردم. موفق باشید

### \* کرامت بیگدلی - رفسنجان \*

نامه شما به دستم رسید از لطف شما متشکرم. من هم با شما موافقم این که بگوییم تحریم ها هیچ تأثیری بر روی ما ندارد سخن عالمانه ای نیست، البته از این جهت که هیچ ملت و مملکتی نباید تسلیم فشار و زور شود، حرف درستی است. بهتر است بگوییم که تحریم ها بر ما تأثیر دارد، اما به خاطر عزت خودمان با آن مقابله می کنیم. ضمن اینکه باید کاری کنیم که حتی الامکان از گسترش دامنه آن کم کنیم. در مورد فشار غرب در باره فعالیت های هسته ای کشورمان نیز مسأله این نیست که آنها نمی دانند ما بمب اتمی نمی سازیم بلکه اصولاً نمی خواهند به تکنولوژی آن دست پیدا کنیم. همین حال نمایندگان آژانس در ایران هستند و فعالیت های ما را زیر نظر دارند. موارد دیگری را هم که در نامه خود اشاره کرده اید کم و بیش در یادداشت ها و مقالات مجله مورد بررسی قرار گرفته و خدا کند که گوش شنوایی هم باشد. سرفراز باشید.

### \* نورعلی آل مردان - دزفول \*

احتمالاً انبیائی که داخل مصر شدند بیش از اینهاست با توجه به این که خداوند ده ها هزار رسول برای هدایت بشر فرستاده است و ما فقط تنها نام تعدادی از آنها را می دانیم. همانطور که شما اشاره کرده اید از انبیا بزرگ و مشهور ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یوسف، یوشع، عیسی و دانیال نبی (علیهم السلام) در مصر بوده اند. پیروز باشید